حاشیه

در متن و حاشیه فوتبال اروپا

فیلم دردسرساز «دوراسو»

ترجمه : وصال روحانی

سینما با فوتبال بیگانه نبوده است و جدیدترین ارتباط بین این دو مدیوم، فیلمی است که ویکاش دوراسو هافبک سابق میلان و بازیکن کنونی پاری سن ژرمن درباره جام جهانی ۲۰۰۶ ساخته است. دوراسو در آن جام فقط در دو دیدار و آن هم به صورت بازیکن ذخیره و برای دقایقی کوتاه برای تیم ملی فوتبال کشورش (فرانسه) به میدان آمد و همین مسئله به او کمک کرد تا با فراغ‌بال و خیالی نسبتاً راحت به تهیه فیلمی بپردازد که گفتیم. او این فیلم را با یک دوربین «سوپر ۸» گرفته و نامش را «ذخیره» گذاشته است تا مصداق صحیح‌تر و کامل‌تری از شرایط خودش باشد. او می‌گوید: «آن را ببینید. شاید بپسندید. این دیدگاه من از جام هجدهم است. نظرگاه کسی که به ندرت بازی کرد و در نتیجه وقت داشت که همه چیز را از کنار میدان و سرفرصت ببیند و بررسی کند.» با این حال پاتریک ویرا کاپیتان جدید تیم ملی فرانسه (پس از بازنشستگی زین الدین زیدان) می‌گوید: «بهتر است دوراسو در کارش دقت به خرج داده باشد، زیرا فیلم او به واقع نمایی از زندگی داخل اردویی ما است و چیزهایی وجود دارد که نباید از آن یاد کرد.» ریموند دومنک (سرمربی فرانسه) از این هم بیشتر پیش رفته است. «بهتر است دوراسو قسمت‌های مربوط به مرا به کلی حذف کند. من هیچ وقت اجازه استفاده از این سکانس‌ها و پخش آن را نمی‌دهم.» با این حال دومنک هم بیکار ننشسته است. او حدود ۴۰۰ برگ از خاطراتش در آلمان و از ایام حضور خود و تیم فرانسه در جام جهانی امسال را نگاشته و خیال چاپ آن در قالب یک کتاب را دارد. البته او برخلاف دوراسو که فیلمش آماده نمایش است، عجله‌ای برای این مهم ندارد. «می گذارم سایرین هرچه حرف و فیلم درباره این جام دارند، رو کنند و وقتی تمام حرف‌هایشان تمام شد، من کتابم را منتشر خواهم کرد. حق و حقوق نشر آن را نیز به نسل‌های بعد از خودم و نوه‌هایم خواهم سپرد.»

■ **آلدریج هم زد زیر آواز**

اگر سینما شریک و یار گاه به گاه فوتبال است، تلویزیون از آن جدایی ندارد و هر هفته (و بلکه هر روز) مسابقاتی بر روی آنتن می‌رود و دلیل اصلی تب فوتبال و سرایت آن به جهانیان پخش دائمی آن از این مدیوم است. جان آلدریج ایرلندی نمونه خوبی از ارتباط این دو پدیده است. مهاجم سابق لیورپول و رئال سوسیه‌داد که در دوران مربیگری‌اش در انگلیس هم بد عمل نکرد، به تازگی در یک برنامه تلویزیونی پرطرفدار در انگلیس شرکت جسته که نام آن را «تو یک ستاره هستی» گذاشته‌اند. این برنامه و مسابقه‌ای است که چهره‌های مشهور در آن شرکت می‌کنند و سئوال‌هایی از آنها مطرح و کارهایی دشوار از آنان خواسته می‌شود. از آلدریج هم که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ یک گلزن چیره‌دست و به قولی کپی ایان راش هم‌بازی ولزی‌اش در لیورپول بود، خواسته شد زیر آواز بزند و او هم زد و آن قدر این کار را خوب انجام داد که برنده این مسابقه شد. شاید هم مجریان برنامه اشتباه کرده بودند که او را به عنوان یک تازه‌کار و آماتور در مسابقه آوازخوانی فوق شرکت دادند زیرا او در سال ۱۹۸۸ در خواندن و ضبط ترانه‌ای به نام «آوای آنفیلد» (که وصف لیورپول است) دست داشت و از قضا می‌گویند که صدای فریادهای او رساتر از تمام لیورپولی‌های وقت بوده است! حرف‌های خود آلدریج هم شنیدنی است: «چشم باز کردم و دیدم باید مقابل هزار نفر تماشاگر بخوانم. ترس و وحشت خواندن در حضور این همه آدم بسیار بیشتر از بازی کردن و گل زدن در حضور خیل تماشاگران مسابقات فوتبال بود. آن قدر عصبی شده بودم که می‌خواستم پا به فرار بگذارم، اما دیدم که درهای استودیو را قفل کرده‌اند و مجبور شدم آن تو بمانم.»

■ **یک نقشه پلید**

حالا که صحبت هنر و ارتباط آن با ورزش و فوتبال در میان است، بد نیست از ریوفردیناند هم یاد کنیم زیرا مدافع منچستریونایتد نیز دل در گرو کارهای نمایشی و به خصوص برنامه‌های تلویزیونی دارد. او یک کمپانی تولید کارهای تلویزیونی به راه انداخته است و زمانی که جام جهانی امسال جریان داشت، با گرفتن فیلم‌های کوتاه حقیقی از تدارکات و برنامه‌ها و تمرینات تیم ملی کشورش بر شمار بینندگان محصولات استودیوی خود افزود. وابستگان ریو در این راه دوربین‌هایی مخفی را در اینجا و آن جای اردوی ملی انگلیس در خاک آلمان کاشته و دائماً فیلم می‌گرفتند و فردیناند به قدری بی‌رحم بود که فقط پس از تمام شدن کارش رو به امثال بکام و رونی کرد و گفت که چه بلایی بر سر آنها آورده است. زیرا آنها را در شرایطی که راحت و بی‌خیال مشغول گذران آن وقت در اردوی ملی بودند، به تصویر کشیده است. نقشه جدید او که آن هم توام با پلیدی است، این است که به خانه برخی از هم‌تیمی‌هایش برود و از آنها فیلمبرداری کند و وسایل و محیط خانه را به شکل و شمایلی عجیب درآورد. یک کارشناس برنامه‌های تلویزیونی می‌گوید: «ریو و مشاورانش به این نتیجه رسیده‌اند که باید چیزی را ارائه بدهند که تماشاگران را حیرت‌زده کند و چه چیزی عجیب‌تر از اینکه ستاره‌های فوتبال را در خانه و محل زندگی‌شان شکار کنید و اگر امکان‌پذیر شد، شکل و حالت‌های عجیبی را به آنها ببخشید. مردم از تماشای نگرانی و ناراحتی شدید رونی طی جام جهانی امسال بسیار راضی بودند و آن را تماشایی می‌دانستند. حالا اگر او را در حال تعقیب کردن یک سگ در اطراف خانه‌اش ببینند، بیشتر کیف خواهند کرد. بالاخره او باید با یک کسی و چیزی دربیفتد و آرامش به او نیامده است.» هرکس این را نداند، فردیناند بهتر از همگان از آن مطلع است.

منبع : Uefa

گفت‌وگوی اشپیگل با کلاوس اوگن تالر، مربی ولفسبورگ

دیگر کسی حق باختن ندارد

مالته اوبرشلپ و راینر شفر

ترجمه : علی بوذری

کلاوس اوگن تالر امسال برای خود اهداف بزرگی را در نظر گرفته است. با اینکه او می داند داشتن شانس هم در فوتبال بسیار مهم است. سرمربی ۴۸ ساله تیم ولفسبورگ آلمان در گفت‌وگو با اشپیگل در خصوص انتخاب درست بازیکن، صحبت‌های کنایه‌آمیز خود و چهره خود صحبت کرده است.

...

■ آقای اوگن تالر در فصل گذشته بوندس لیگا چیزی نمانده بود که شما به همراه تیم ولفسبورگ به دسته دوم سقوط کنید. در این فصل می خواهید چه کاری را بهتر از فصل گذشته انجام دهید؟

ما سعی کردیم به تیم یک چهره و شخصیت جدید بدهیم. پنج، شش بازیکن از تیم رفتند و در عوض شش بازیکن جدید به تیم اضافه شدند. همان طور که در فصل گذشته به بازیکنان گوشزد می کردم، امیدوارم تیم ما در این فصل با کیفیت بالاتر فوتبال بازی کند و به خصوص اتحاد تیمی خودش را حفظ کند. تیم ملی آلمان بهترین الگو برای تیم من است. آنها نشان دادند که با اتحاد تیمی می توان به نتایج خوبی دست پیدا کرد. فوتبال یک ورزش تیمی است.

■ آیا توانستید براساس خواسته خود تیم را برای این فصل ببندید؟

من برای هر پستی که نیاز به تقویت داشتیم سه بازیکن را نام بردم. بعد با هم بررسی کردیم که چه گزینه‌هایی از نظر فنی و مالی امکان‌پذیر هستند. به هر حال من شرایط باشگاه را هم درک می کنم و نگفتم که در دفاع به بازیکنی مثل لوسیو و در حمله به نیستلروی نیاز دارم. باشگاه ما از معدود باشگاه‌های آلمان است که از نظر مالی در وضعیت نسبتاً با ثباتی است. ولی ما آنقدر هم ثروتمند نیستیم که بتوانیم بازیکن ۱۵ میلیون یورویی بخریم.

■ برای شما فروش بازیکنانی مانند آندرس دی آلساندرو به اندازه آوردن بازیکنان جدید اهمیت داشت. کسانی بودند که ادعا می کردند تیم ولفسبورگ جایگاه بازیکنان در حال بازنشستگی شده است.

وضعیت تیم ما مانند یک جعبه پر از سیب است. اگر یک سیب این جعبه گندیده باشد وظیفه من است که از بقیه سیب‌ها مراقبت کنم.

■ خیلی ها می گویند ولفسبورگ جای مناسبی برای زندگی کردن نیست. آیا این ادعا، یافتن بازیکنان جدید را برای شما دشوار نمی کند؟

مهم شهر و یا محیط آن نیست. از من همیشه سئوال می کنند که یک شهروند بایرنی چگونه می تواند به لورکوزن، جایی که نمی‌توان در آن کوه‌ها را دید، برود. باور کنید که در بایرن هم من کوه‌ها را نمی‌بینم. ولی به نظر من آنچه اهمیت دارد محیط کاری است که در اینجا عالی است.

■ فوتبالی که شما دوست دارید از تیمتان ببینید چه فوتبالی است؟

خیلی راحت است که من به شما بگویم ما می خواهیم فوتبال جذاب و هجومی بازی کنیم. می دانم که مشکل کار ما چه بود. ما موقعیت‌های کم گلزنی داشتیم و از موقعیت‌های خوبی هم که به دست می آوردیم تعداد اندکی را می توانستیم تبدیل به گل کنیم. بعد هم اجازه دادیم حریف موقعیت‌های زیادی ایجاد کند و گل‌های زیادی هم خوردیم. ولی من می خواهم تیمم در این فصل طوری بازی کند که طرفداران بگویند در این تیم رد پای مربی دیده می شود.

■ ولی مربی ای مانند رالف رانگنیک ترجیح می دهد برای پنج سال به یک تیم دسته سومی مانند هوفن‌هایم برود تا بتواند آن تیم را از نو و با سلیقه خودش بسازد.

شاید این کار اشتباهی نباشد. در فصل گذشته و تا تعطیلات زمستانی، هشت مربی از کار برکنار شدند – این واقعاً وحشتناک است. امروزه اگر به عنوان مربی تیمت دوبار پشت سر هم شکست بخورد این خطر وجود دارد که بیکار شوی. به نظر می آید که دیگر کسی حق باختن ندارد. ولی واقعیت این است که هنوز هم در هر بازی دو تیم به میدان می آیند که هر دو آنها می خواهند برنده شوند.

■ آیا برای همین است که مصاحبه‌های شما بعد از بازی‌ها بیشتر کنایه آمیز است؟

فکر می کنم حرف‌های من بیشتر فی البداهه باشد. اگر هم کنایه آمیز به نظر می‌رسد، بیشتر به خاطر این است که بعضاً یک سئوال در طول چهار هفته، دوازده بار از من پرسیده می‌شود. هر انسانی رفتار خاص خودش را دارد. مهمت شول یک بار گفته بود که سه سال طول کشیده تا او شوخی‌های من را درک کند.

■ آیا در اینجا کسی شما را درک می کند؟

فکر می‌کنم در اینجا کسانی هستند که من را درک کنند.

■ گفته می شود شما بی صبر هستید. خودتان می گویید که این هم نقطه ضعف و هم نقطه قوت شما است؟

درست است حتی اگر این مسئله در ابتدا متناقض به نظر برسد. من در کار کردن با بازیکنان صبر زیادی دارم ولی در رسیدن به موفقیت و دیدن بازی بی‌نقص از تیمم بسیار کم‌صبر هستم. ولی این امکان‌پذیر نیست. بازیکنان هم انسان هستند و اشتباه می کنند و همکار من در تیم حریف هم از بازیکنانش بازی بی‌نقص می خواهد. پس باید یاد بگیرم که صبر داشته باشم.

■ اما چگونه می توان صبر داشتن را یاد گرفت؟

در اینکه شما بتوانید به راهی که انتخاب کرده‌اید ادامه دهید برای مثال با بچه‌ها هم باید صبر داشته باشید. وقتی دختر سه ساله من گل‌ها را از باغچه می کند به او می گفتم تو اجازه نداری این کار را بکنی. ولی او فردای آن روز این کار را باز هم تکرار می کرد.

■ شما آرام می مانید ولی صورت شما شکسته شده و چین و چروک زیادی دارد.

بالاخره یکی زخم معده می گیرد و یکی هم صورتش شکسته می‌شود. من ترجیح می‌دهم صورتم چین و چروک داشته باشد.

■ فوتبالیست‌ها کارهای تبلیغاتی زیادی می کنند. شما هم حاضر هستید برای یک کرم ضدچروک مردانه تبلیغ کنید؟

من باید از محصولی که قرار است آن را تبلیغ کنم مطمئن باشم. اگر کرمی وجود داشته باشد که بتواند چین و چروک صورت را از بین ببرد، چرا که نه. ولی من تا به حال چنین محصولی را پیدا نکرده‌ام و حاضر هم نیستم عمل کنم.

■ همانگونه که در دیگر افراد می توان از کف دست آنها خصوصیات اخلاقی‌شان را دید، می توان از صورت شما به این قضیه پی برد.

ولی در نهایت باز هم کسی من را به درستی نمی‌شناسد.

محبوبیت، بزرگ‌ترین مزیت رقابت با بایرن مونیخ

وردربرمن، گلادباخ جدید

اولی هسه لیشتنبرگر

ترجمه : سهیل نوری‌پناه

زمانی که در هنگامه دهه ۷۰، کم و بیش، جذب بوندس لیگا و فوتبال آلمان شدم، جز دو باشگاه، تیم دیگری برای رفقا و هم‌دوره‌ای‌هایم جذابیت نداشت. یکی از این عشق‌ها، بدون شک، از جایی در حوالی دره «Ruhr» – جایی که من در آن ساکن بودم– سر بر می‌آورد. منظورم یکی از باشگاه‌های این منطقه است. شالکه یا دورتموند و جالب اینجا است که حتی تیم‌هایی مانند «بوخوم» و «اسن» نیز مورد توجه عده‌ای بودند. اما عشق دوم، در میان این خیل عظیم، مانند همیشه، «بورسیا مونشن گلادباخ» بود. دلایل و برهان‌های فراوانی است که به ما می گوید، چرا در آن برهه تا آن حد مونشن گلادباخ مورد پسند و علاقه آن توده بوده... شاید اینکه آنها «بایرن‌مونیخ» نبودند، برای چنین کششی کفایت می‌کرد. بله! حتی از ۳۰ و اندی سال گذشته نیز مردم این کشور شیفته تیمی بودند که برای قهرمانی و موفقیت با «بایرن‌مونیخ» جدال می‌کند. هنوز که هنوز است، در یافتن پاسخی مناسب به چنین تلقی‌ای ناتوانم، اما شاید در آن برهه، هنوز بایرن را یک «تازه به دوران رسیده» می‌انگاشتند و هنوز در قالب آن مجموعه‌ای غرق نشده بود که مقام‌ها و جام‌های گوناگون و رنگارنگ را درو می‌کرد و هنوز مکانی نبود برای هنرنمایی و نمایش ملی‌پوشان بزرگ و افسانه‌ای این کشور... اما بی‌تردید، گلادباخ، با همان رقابت و جدال همیشگی که با بایرن بر سر عنوان قهرمانی داشت «گرچه در بیشتر مواقع، قافیه را می‌باخت» در محبوب ساختن خود در نگاه هواداران فوتبال آلمان کامیاب بود. با این حال، تیمی چون گلادباخ به‌رغم بهره‌ای که از طبقه ضعیف و کارگر جامعه می جست و خود را به مدد موفقیت‌های ناگسستنی در زمره «بهترین»ها جای داده بود، هنگامی که به صحنه اروپایی فوتبال قدم می‌گذاشت– دقیقاً در تضاد با شرایط بایرن– چیزی جز ناکامی عایدش نمی‌شد. البته یافتن راه حل، برای چنین ضعفی، چندان دشوار نیست. زیرا، گلادباخ به سبب بحران‌ها و رکود اقتصادی همیشگی‌اش در آن برهه، هنگامی که ستاره‌ای را در حد ملی می‌پروراند، به دلیل آنکه در ارضا کردن روحیه مادی آن ستاره ناتوان بود، به سادگی شاهد وداع استعدادهای ناب و پرآوازه‌اش به دیگر باشگاه‌ها بود و همواره تنها راه حل ممکن برای پر کردن چنین خلایی را میدان دادن و بارور ساختن دیگر استعدادهای جوان و جویای آوازه– که دیگر باشگاه‌ها چندان به خود رنج پیمودن در چنین پروسه‌ای را نمی‌دادند– می‌دانست. در پیامی موجز باید اشاره کنم که در آن برهه، مزه و شهدی که به‌عنوان یک «طرفدار» و «تعقیب‌کننده» نتایج گلادباخ به توده مردم دست می‌داد در هواداری در بایرن یافت نمی‌شود.

...

وقتی که در سال ۱۹۷۱ تلویزیون ملی آلمان تصمیم به ابداع برنامه «زیباترین گل ماه» – که همچنان در جریان است– گرفت، دو تن از بازیکنان گلادباخ یعنی گونتر نتسر و اولریک لو فه وره دو جایزه از هشت جایزه ابتدایی این مسابقه را ربودند. این درحالی بود که حتی گل «اولریک لو فه وره» در آن سال توانست عنوان زیباترین و حیرت‌انگیزترین گل سال را برباید. این موید چنین نکته‌ای است که در شرایطی که گلادباخ، با نمایش‌های عامه‌پسند و اغواگرانه‌اش قلب‌ها را می‌ربود، بایرن ثابت قدم و استوار– فقط– برای دست یافتن به هدفش پیش می‌رفت بی اعتنا بود به عوامل فرعی. «هر چند فصل بعد، اکثر افتخارات و عناوین این مسابقه به بازیکنان بایرن‌مونیخ تعلق گرفت و نباید از این مسئله چشم پوشید.» اما خب! باید بگویم، که برخلاف انتظار این مقاله من هیچ ارتباط مستقیمی به بوروسیا مونشن گلادباخ ندارد. بلکه هدف من در این تصویر، تنها و تنها «وردربرمن» است. وقتی به وردربرمن و اوضاع کنونی‌اش می‌نگریم، بیش از هر چیز دیگری، نام و یاد بوروسیا مونشن گلادباخ در ذهنمان تداعی می‌شود. برمن خود را در فصول اخیر در قامت یکی از قدرت‌های بوندس لیگا نشان داده که به گونه‌ای با ثبات همیشگی بدل به جدی‌ترین و خطرناکترین رقیب بایرن برای قهرمانی است. آن هم به زیباترین و مهیج‌ترین شیوه ممکن در سبک بازی... وقتی پس از جام جهانی در برهه‌ای که سبک و روش هجومی و مخاطره‌انگیز مجموعه یورگن کلینزمن درجام جهانی مردم آلمان را به وجد آورد، بسیاری بر این باور بودند که باشگاه‌های این کشور در فصل جدید، باید تیم ملی آلمان تحت نظارت کلینزمن را الگوی خود برگزینند. اما توماس شاف، سرمربی برمن، در این هنگام، در حالی که یلی داده بود، با غرور و آرامش در پاسخ به این مسئله گفت: «کسانی که در سال‌های اخیر بازی تیم ما را مشاهده کرده‌اند، همگی شهادت می‌دهند که برمن، مدت‌ها است از چنین شیوه هیجان‌انگیز و هجومی استفاده می‌کند. استراتژی و برنامه هجومی تیم ملی آلمان در برابر کاستاریکا در جام جهانی، آنچه که هجومی و مخاطره‌انگیز بود، شباهت بسیاری به نمایش و راه و روش برمن در پیکارهای لیگ قهرمانان اروپای فصل پیش داشت. شیوه‌ای مبتنی بر آفسایدگیری صرف در کارهای دفاعی و حرکت رو به جلو– آن هم به گونه‌ای افراطی و تا مرز خودکشی به سبب خالی ماندن فضای پشت دفاع– که آن فضای میان مدافعان تیم و سنگربان برابری می‌کرد با کل مساحت کشوری چون سن‌مارینو!

...

چنین سبک و سیاقی، البته، در بازی‌های داخلی نیز مشاهده می‌شد. به گواهی آمار و ارقام برمن در فصول اخیر بیشترین تعداد گل را به ثمر رسانده است و حیرت‌انگیز آن است که برمن در چیزی نزدیک به ۷ مسابقه در فصل گذشته در هر بازی ۵ گل و شاید هم بیشتر! به ثمر رسانده بود. در این فصل نیز تا دو بازی نخست– هر چند در بازی سوم با دو گل از شالکه شکست خوردند– تغییری در کالبد این تیم رویت نشد. مردمی که به تماشای دو مسابقه نخست برمن در بوندس لیگا رفته‌اند، بی‌شک لحظات هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده‌ای تجربه نمودند. ۹ گل رد و بدل شده، ۳۴ کرنر و بنا به آمار مجله «کیکر» ۳۲ موقعیت گلزنی که توسط بازیکنان این تیم شکل گرفت. اگر موفقیت و افتخار مونشن گلادباخ در دهه ۷۰ یک اتفاق نادر بود، رقم خوردن عصر تازه در باشگاه وردربرمن با چنین ریخت و پاش‌های اندک و ناچیزی، خود، کم از معجزه ندارد. در قیاس با امکانات و امتیازات باشگاه‌هایی چون بایرن، شالکه، دورتموند و حتی رقبای شمالی بسان هامبورگ، وردربرمن نه مانند آنها از ورزشگاهی مجهز، غول‌آسا و مدرن، مانند آنچه که باشگاه‌های مزبور درجام جهانی عرضه کردند، بهره می‌جوید و نه باشگاه هواداران معتبر و انسجام یافته دارد و نه خبری از شرکت‌های معتبر صنعتی است که حامی اقتصادی آنها باشند. و بالطبع، بر چنین بستری این باشگاه در ارضا کردن خواسته‌های مادی ستاره‌های رشد و پرورش‌یافته‌اش، ناتوان و مستاصل خواهد بود. توماس شاف، مردی که از اوان نوجوانی، و در ۱۱ سالگی در برمن بوده، کمتر تابستانی را از سال ۱۹۹۹ – که در این سال به‌عنوان سرمربی این تیم معرفی شد– به یاد می‌آورد که شاهد خروج ستاره‌های بزرگ و نامدارش نباشد. در سال ۲۰۰۱، کلودیو پیزارو و رافا ویکی به ترتیب به بایرن و آتلتیکو مادرید ملحق شدند. یک سال بعد، تورستن فرینگز به دورتموند ملحق شد و در سال ۲۰۰۳ دروازه‌بان ارزشمند این تیم، فرانک روست و نیز ملادن کریستاییچ به شالکه پیوستند. در سال ۲۰۰۵ هافبک ملی‌پوش این تیم یعنی فابین ارنست و نیز مهاجم ۲۸ گله برمن در آن سال– آیلتون– به شالکه ملحق شدند و دو سال پیش نیز والرین اسمائیل چمن مونیخ را سبزتر از برمن دید! در این تابستان نیز نلسون والدس راهی دورتموند شد و نیز بازی‌ساز قهار این تیم یوهان میکو به تیم سابقش بوردو در فرانسه بازگشت. با این حال و با چنین مشکلاتی، برمن هیچ‌گاه در برابر مصائبی از این جنس، دست از تلاش و مبارزه نکشیده است. به عنوان نمونه، هوگو آلمیدا مهاجم جوان و پرتغالی این تیم که جایگزین نلسون والدس شده، خود را به توماس شاف با به ثمر رساندن دو گل در دو مسابقه آغازین برمن تحمیل کرده است و یا مثلاً دیگو جوان برزیلی سابق سائوپائولو که از پورتو به برمن هجرت کرد در ۵ گل از ۶ گل ابتدایی این تیم در بوندس لیگا موثر نشان داده است. هر چند برمن هنوز فاصله بسیار عمیقی با آن تیم پرافتخار و اعتبار گلادباخ در دهه ۷۰ دارد– که بعید به نظر می‌رسد که چنین فاصله‌ای توسط هر تیم دیگری به صفر برسد!– اما کمتر کسی در آلمان یافت می‌شود که از قهرمانی برمن در این فصل خشنود نشود. خصوصاً اینکه برمن خود را در قامت یک مجموعه ماجراجو تثبیت کرده است.

خبرها

اسکوربورد

■ **لیگ برتر، هفته سوم**: بلکبرن صفر – چلسی ۲
گل‌ها: لمپارد (۴۹ پنالتی)، دروگبا (۸۰)
آستون ویلا ۲ – نیوکاسل صفر

■ **لالیگا، هفته اول**: بیلبائو ۱ – سوسیه‌داد ۱، دپورتیوو ۳ – ساراگوسا ۲، اوساسونا صفر – ختافه ۲، راسینگ صفر – آتلتیکومادرید ۱، اسپانیول صفر – خیمناستیک ۱، رئال‌مادرید صفر – ویارئال صفر، رکراتیوو ۱ – مایورکا۱

■ **بوندس لیگا، هفته سوم**: هامبورگ ۱ – هرتابرلین ۱
گل‌ها: سانوگو (۱۸) برای هامبورگ، خیمنز (۶۴) برای هرتابرلین، ماینتس ۱ – اینتراخت فرانکفورت ۱
رده‌بندی: ۱ – نورنبرگ ۷ امتیاز، ۲ – بایرن‌مونیخ ۷ امتیاز، ۳ – شالکه ۷ امتیاز، ۴ – گلادباخ ۶ امتیاز، ۵ – وردربرمن ۶ امتیاز

■ **لوشامپیونا، هفته چهارم**
نانسی ۱ – اوسر سفر، موناکو ۲ – سدان ۱، مارسی ۲ – لومان صفر، سن اتی‌ین ۳– لانس ۲، والنسین ۳ – رن ۱
رده‌بندی: ۱ – مارسی ۱۰ امتیاز، ۲ – لیون ۱۰ امتیاز، ۳ – لیل ۹ امتیاز، ۴ – نانسی ۹ امتیاز، ۵ سن اتی‌ین ۹ امتیاز، ۶ سوشو ۶ امتیاز

حذف یووه از جام حذفی

یووه تنها امید خود برای حضور در رقابت‌های اروپایی سال آینده را با شکست مقابل ناپولی در جام حذفی ایتالیا از دست داد. یوونتوس دسته دومی یکشنبه شب و در مقابل شصت هزار هوادار در ورزشگاه سن پائولی مهمان ناپولی بود که به تازگی از سری C به سری B صعود کرده است. کیه‌لینی در دقیقه ۲۷ یووه را از میزبان خود پیش انداخت اما کریستین بوکی خیلی زود گل تساوی را به ثمر رساند و چند دقیقه بعد نیز امانوئل کالایو میزبان را دو بر یک پیش انداخت. اما الکس دل پیرو در نیمه دوم و چند دقیقه پس از ورودش به میدان گل تساوی را وارد دروازه ناپولی کرد تا بازی به وقت اضافه کشیده شود. در وقت اضافه نیز این دل پیرو بود که یووه را پیش انداخت اما دو دقیقه قبل از پایان وقت اضافه پائولو کاناوارو بازی را به تساوی کشاند تا ناپولی در ضربات پنالتی هفت بر شش یووه را مغلوب و به مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی ایتالیا صعود کند. در دیگر بازی‌ها نیز این نتایج به دست آمد: آرتزو ۱ – اودینزه ۱ (آرتزو در ضربات پنالتی پیروز شد)، بولونا ۲ – سامپدوریا ۳، مسینا ۴– لاتزیو ۳، برشا ۱ – کالیاری صفر، جنوا ۳ – مودنا ۱

کاسانو در لیست دونادونی

روبرتو دونادونی لیست بازیکنان مورد نظر خود برای حضور در اردوی تیم ملی ایتالیا را منتشر کرد. ایتالیا شنبه آینده در اولین بازی خود در مرحله مقدماتی یورو ۲۰۰۸ به مصاف لیتوانی می‌رود و روز چهارشنبه نیز مهمان فرانسه خواهد بود. نکته جالب فهرست جدید تیم ملی ایتالیا دعوت از آنتونیو کاسانو مهاجم جوان رئال‌مادرید است که با توجه به عدم آمادگی لوکاتونی، توتی و یاکوئینتا به تیم ملی فراخوانده شده است.

■ **لیست بازیکنان تیم ملی ایتالیا: آبیاتی (تورینو)، آلمیا (لیورنو)، بوفون (یوونتوس)، بارزالی (پالرمو)، کاناوارو (رئال‌مادرید)، دایینلی (فیورنتینا)، گروسو (اینتر)، اودو (لاتزیو)، پاسکوال (فیورنتینا)، زاکاردو (پالرمو)، زامبروتا (بارسلونا)، آمبروسینی (میلان)، د روسی (رم)، گتوزو (میلان)، مارکیونی (یوونتوس)، پروتا (رم)، پیرلو (میلان)، سمیولی (کیه‌وو)، بوناتزولی (سامپدوریا) کاسانو (رئال مادرید)، دی میکله (پالرمو)، جیلاردینو (میلان)، اینزاگی (میلان)، روکی (لاتزیو)**

کین مربی ساندرلند

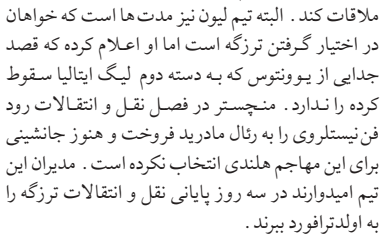

روی کین هافبک سابق منچستر و تیم ملی ایرلند جنوبی پس از انجام مذاکرات با مدیران باشگاه دسته اولی ساندرلند به عنوان مربی این تیم برگزیده شد. کین ۳۵ساله قرار بود روز گذشته و پس از انجام بازی ساندرلند مقابل وست‌بروميچ قرارداد خود را به طور رسمی با باشگاه به امضا برساند. ساندرلند از چهار بازی قبلی خود در لیگ دسته اول انگلیس حتی یک امتیاز نیز کسب نکرد به این ترتیب روی کین به نایل کوئین هموطنش خواهد پیوست که در کنار ریاست باشگاه ساندرلند مربیگری این تیم را نیز بر عهده داشت.

منچستر به دنبال ترزگه

روزنامه‌های روز گذشته ایتالیا از ارائه پیشنهاد جدید باشگاه منچستر برای به خدمت گرفتن دیوید ترزگه مهاجم یوونتوس خبر دادند. قرار بود روز گذشته مدیر برنامه‌های این مهاجم ۲۸ ساله فرانسوی با مدیران منچستر ملاقات کند. البته تیم لیون نیز مدت‌ها است که خواهان در اختیار گرفتن ترزگه است اما او اعلام کرده که قصد جدایی از یوونتوس که به دسته دوم لیگ ایتالیا سقوط کرده را ندارد. منچستر در فصل نقل و انتقالات رود فن نیستلروی را به رئال مادرید فروخت و هنوز جانشینی برای این مهاجم هلندی انتخاب نکرده است. مدیران این تیم امیدوارند در سه روز پایانی نقل و انتقالات ترزگه را به اولدترافورد ببرند.

فن بومل در بایرن

باشگاه بارسلونا با فروش چهار میلیون پوندی مارک فن بومل هافبک هلندی خود به بایرن مونیخ موافقت کرد. فن بومل روز گذشته برای شرکت در آزمایش‌های پزشکی به مونیخ سفر کرد. بایرن پیش از این خواستار انتقال قرضی فن بومل شده بود که مورد موافقت مدیران بارسا قرار نگرفت. گفتنی است دو سال از قرارداد فن بومل با بارسا باقی مانده بود و هر تیمی که قصد به خدمت گرفتن او را داشت می بایست ۲۰ میلیون پوند به این باشگاه پرداخت می کرد اما تکسی بگریستین مدیر ورزشی بارسا اعلام کرد با پیشنهاد چهارمیلیونی بایرن موافقت کرده‌اند.